

## نوع جدید دولت که در انقلاب ما پدید می آید

۱- مفهوم شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان و غیره درک نشده و این نه فقط از آن لحاظ است که معنای طبقاتی شوراها و نقش آن ها در انقلاب روس برای اکثریت اشخاص روشن نیست بلکه علاوه بر آن از آن لحاظ است که شوراها شکل جدید و یا به عبارت صحیح تر نوع جدیدی از دولت هستند.

کامل ترین و مترقی ترین نوع دولت های بورژوازی جمهوری دموکراتیک پارلمانی است که در آن قدرت به پارلمان تعلق دارد و ماشین دولتی، دستگاه و ارگان اداری آن از نوع معمولی است: ارتش دانه‌می، پلیس مأمورین دولت که عملاً تعویض نشدنی و دارای امتیاز هستند و مافوق مردم قرار دارند.

ولی عصرهای انقلابی، از پایان قرن نوزدهم به بعد، نوع عالی تری از دولت دموکراتیک را ایجاد می نماید که به قول انگلس از بعضی لحاظ دیگر جنبه ی دولتی خود را از دست می دهد و «دولت به معنای اخص این کلمه نیست». این دولتی است از نوع کمون پاریس که تسلیح مستقیم و بلاواسطه خود مردم را جایگزین ارتش و پلیس مجزا از مردم می نماید. ماهیت کمون که نویسندگان بورژوازی از آن به زشتی یاد نموده به آن بهتان زده اند و در ضمن، به غلط قصد «معمول داشتن» فوری سوسیالیسم را به آن نسبت داده اند در همین است.

انقلاب روس نیز در سال های ۱۹۰۵-۱۹۱۷ درست به ایجاد همین نوع دولت دست زد. جمهوری شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان، دهقانان و غیره که به توسط مجلس مؤسسان کشوری نمایندگان خلقی روسیه و یا به توسط شورای کل شوراها و غیره متحد شده باشند آن چیز است که هم اکنون به ابتکار توده های چندین

میلیونی مردم دارد وارد زندگی می شود و این توده ها به ابتکار خود به ایجاد دموکراسی سبک خود مشغولند، بدون این که در انتظار به نشینند تا آقایان پروفیسورهای کادت لوایح قانونی خود را در مورد جمهوری پارلمانی بورژوائی به رشته تحریر در آورند و یا فضل فروشان و جامد فکران «سوسیال دموکراسی» خرده بورژوائی نظیر آقای پلخانف و یا کائوتسکی از تحریف آموزش مارکسیسم در مورد مسأله دولت دست بردارند.

مارکسیسم بر خلاف آنارشیسیم به ضرورت دولت و قدرت دولتی در دوران انقلابی عموماً و از آن جمله ی در دوران انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم معترف است.

مارکسیسم، برخلاف «سوسیال دموکراتیسم» خرده بورژوائی و اپورتونیستی حضرات پلخانف و کائوتسکی و شرکاء بر آنست که در دوره های مذکور دولت نباید از نوع جمهوری پارلمانی بورژوائی باشد، بلکه باید از نوع کمون پاریس باشد.

فرق عمده ی اخیر دولت با نوع قدیم بدین قرار است:

رجعت از جمهوری پارلمانی بورژوائی به سلطنت کاریست بس آسان (چنان که تاریخ نیز ثابت نموده است) زیرا تمام ماشین ستم گری یعنی ارتش، پلیس و دستگاه اداری دست نخورده باقی می ماند. ولی کمون و شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان، دهقانان و غیره این ماشین را درهم می شکنند و از میان بر می دارند.

جمهوری پارلمانی بورژوائی عرصه ی زندگی سیاسی مستقل توده ها و شرکت مستقیم آن ها را در ساختمان دموکراتیک سرپای زندگی دولتی محدود نموده و آن ها را تحت فشار قرار می دهد. عکس ای قضیه در مورد شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان صدق می کند.

شوراها آن نوع دولتی را احیاء می کنند که کمون پاریس آن را طرح می ریخت و مارکس آن را: «سرانجام شکل سیاسی کشف شده ای که قادر است رهائی اقتصادی رنجبران را عملی سازد» نامید.

معمولاً معترضانه می گویند که مردم روس هنوز برای «معمول داشتن» کمون آماده نیستند، این همان برهان هواداران سرواژ است که می گفتند دهقانان هنوز برای آزادی آماده نیستند. کمون یعنی شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان هیچ گونه اصلاحی را که موجبات آن خواه در زندگی اقتصادی و خواه در شعور اکثریت قاطع مردم از هر حیث فراهم نشده باشد «معمول نمی دارد» و در صدد نیست «معمول دارد» و نباید هم معمول دارد. هر چه ورشکستگی اقتصادی و بحران ناشی از جنگ شدیدتر باشد به همان نسبت ضرورت ایجاد کامل ترین شکل سیاسی که موجب تسهیل التیام جراحات هولناکی باشد که جنگ به بشر وارد آورده مبرم تر می گردد. هر چه تجربه تشکیلاتی مردم روس کمتر باشد به همان نسبت با عزمی راسخ تر باید به ساختمان تشکیلاتی خود مردم اقدام نمود و تنها به یک مشت سیاست باز بورژوا و کارمندان دارای «مشاغل پر عایدی» اکتفا نوزید.

هر قدر ما موهومات قدیمی مارکسیسم دروغین را که مورد تحریف آقای پلخائف و کانوتسکی و شرکاء قرار گرفته است زودتر از خود دور کنیم، هر قدر با پشت کاری بیشتری به مردم کمک کنیم تا فوراً و در همه جا به تشکیل شوراهای نمایندگان کارگران و دهقانان پردازند و تمام امور زندگی را به دست این شوراها بسپارند، هر قدر آقایان لووف و شرکاء فرا خواندن مجلس مؤسسان را بیشتر به تعویق اندازند، همان قدر نیز برای مردم آسان تر خواهد بود، (از طریق مجلس مؤسسان و یا بدون آن، در صورتی که لووف برای مدتی مدید از فرا خواندن آن خودداری ورزد) جمهوری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان را برای خود انتخاب نمایند. ارتکاب اشتباه در امر ساختمان تشکیلات نوین خود مردم در آغاز کار ناگزیر است. ولی بهتر است اشتباه نمود و به پیش رفت تا به انتظار نشست که چه وقت

پروفسورهای حقوق دانی که از طرف آقای لووف دعوت می شوند قوانین مربوط به فراخواندن مجلس مؤسسان و جاودان ساختن جمهوری پارلمانی بورژوازی و اختناق شوراها و نمایندگان کارگران و دهقانان را به رشته ی تحریر در می آورند.

اگر ما متشکل شویم و کار ترویجی خود را با لیاقت انجام دهیم، آنگاه نه فقط پرولتاریا بلکه نه دهم دهقانان نیز با احیاء پلیس، مأمورین دولتی تعویض ناپذیر و ممتاز و ارتش مجزا از مردم مخالفت خواهند ورزید. و ماهیت نوع جدید دولت هم فقط همین است.

۲- تعویض پلیس با میلپس مردم اصلاحی است که تمامی سیر انقلاب آن را ایجاب می کند و اکنون در اکثر نقاط روسیه عملی می گردد. ما باید به توده ها توضیح دهیم که در اکثر انقلاب های نوع معمولی بورژوازی، عمر چنین اصلاحی بی اندازه کوتاه بوده و بورژوازی، حتا دموکرات ترین و جمهوری خواه ترین آن، همیشه پلیس قدیمی تیپ تزاری و مجزا از مردمی را احیاء نموده که تحت فرمان بورژواهاست و مستعد برای هرگونه ظلم و ستمی نسبت به مردم می باشد.

برای جلوگیری از احیاء پلیس تنها یک وسیله وجود دارد: ایجاد میلپس همگانی مردم و آمیختن آن با ارتش (تعویض ارتش دائمی با تسلیح همگانی مردم). در این میلپس باید کلیه ی افراد مرد و زن بدون استثناء از سن ۱۵ تا ۶۵ سالگی اشتراک ورزید، اگر با این سنین تخمینی بتوان شرکت نوجوانان و کهنسالان را معین ساخت. سرمایه داران باید حقوق کارگران روزمزد و خدمت کاران و غیره را در روزهایی که آن ها به خدمت اجتماعی در میلپس مشغولند به پردازند. بدون این که زنان نه فقط به شرکت مستقل در زندگی سیاسی به طور کلی، بلکه هم چنین به خدمت اجتماعی دائمی و همگانی جلب شوند، نه تنها در باره ی سوسیالیسم بلکه در باره ی دموکراسی کامل و پایدار نیز جای سخنی نمی تواند باشد. و اما پاره ای از وظائف «پلیس» نظیر مواظبت از بیماران و کودکان بی سرپرست و مراقبت در تغذیه صحیح

و غیره اصولاً بدون برابری حقوق زنان و آن هم برابری در عمل نه این که فقط روی کاغذ، ممکن نیست به طور رضایت بخشی انجام گیرد. جلوگیری از احیاء پلیس، جلب نیروی تشکیلاتی تمام مردم به منظور ایجاد میلیس همگانی- این ها است وظایفی که پرولتاریا باید برای حراست و تحکیم و تکامل انقلاب، با خود به میان توده ها ببرد.

### منتخب آثار لنین صفحه ۴۵۸

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴